

اسرار مکنون یک گُل

(تأملی در مبانی حکمی نیلوفر مقدس در آیین هور شرع)

نا تحدید بطر و اصافات

حسن بلخاری قہی

استاد دانشگاه تہران



۱۳۹۸

فهرست

| | |
|----|---|
| ۷ | مقدمه ویراست دوم |
| ۹ | مقدمه |
| ۱۳ | فصل اول بیلوفر در آیین و هنر هندو |
| ۱۵ | - ایران و هند در آیین تاریخی |
| ۲۱ | - نقش بیلوفر در آغار آفریش در مهابهارت |
| ۳۳ | - حضور بیلوفر در معماری هندو |
| ۵۳ | فصل دوم بیلوفر در آیین و هنر بودیزم (بودا یا مای پادما گوهری در بیلوفر) |
| ۵۵ | - بیلوفر در آیین بودا |
| ۶۱ | - بیلوفر در هنر بودایی |
| ۷۵ | فصل سوم آب و بیلوفر در آیین و هنر ایران ناستان |
| ۷۹ | - آردوی سور آناهیتا (ناهید، آنان) |
| ۸۷ | - میترا نا مهر |
| ۹۲ | - نمونه‌هایی از حضور بیلوفر در هنر ایرانی |
| ۹۴ | - سیانه‌های نظری ربرستوبهای بیلوفری در تحت‌حمشید و پاتالی پوترا |

| | |
|-----|---|
| ۱۰۹ | فصل چهارم بیلوفر در آیین و هنر مصر باستان |
| ۱۱۵ | - درخت ناژگون در اسطوره‌های آفریش |
| ۱۳۱ | فصل پنجم لوتوس، از یک برکه تا گلد یک قصر |
| ۱۴۷ | فصل ششم پورانای بیلوفر |
| ۲۱۹ | مناح |
| ۲۲۵ | نمایه |

مقدمه

الف) از جمله اصول بنیادین جهان‌بینی اسان شرقی، دو اصل اساسی ریز است - اصل تماظر که اسان را معادل عالم و عالم را معادل اسان می‌داند (الانسان کون صغیر و الکون اسان کبیر)،

- و اصل تحلی که طبیعت را عرصه ظهورِ صور و اسماء الهی در عالم می‌انگارد^۱ این دو اصل بنیادین که هویت‌بخش دات و جوهر جهان‌بینی اسان شرقی است از اسان و طبیعت آیین‌های می‌سازد مصور و متحلی نه اسرار و اسماء الهی در این آیینه (طبیعت) هر حرثی از عالم، صورتی از صور و اسمی از اسماء است و بیز نمادی بر

^۱ و به همین دلیل، واره طبع هم به معنای ماهیت انسانی است و هم معنای احصی که عرف عام در تصور خود دارد در این مورد رجوع کند به مقاله «سبب عناصر اربعه یا مربع و سایر آن بر هنر و معماری مقدس»، از نگارنده در مجموعه مقالات «همانس طبع (عناصر اربعه) در هنر شرق، از سری هم‌نشدی‌های در استعمال از همانس سن‌المللی طبع در هنر شرق، سر فرهنگستان هنر و سر در مورد صل تحلی صور و اسماء رجوع کند به دوره دو جلدی «مانی عرفانی هنر و معماری اسلامی» از نگارنده، نشر سوره‌مهر

تعبیر افلاطون ایجاد حجاب، که رفع و ستر حجاب است تحلی معیار در هنر، صرفاً ابتدگار کردن معیار نیست، اصالت بخشیدن به معیار هست بنابراین هنگامی که لوتوس زیر یای یک اسنان کامل، از مشا الوهی و قدسی او سخن می‌گوید، در این حا تصویر ایگره و طیفه‌ای را بر خود فرص نموده و نه انجام رسانده است که همانا نارگشت دادن سورت نه اصل خویش توسط آفریشگر (هرمسد) در سیری تکاملی است و دقیقاً از همین روست که هرمسد از دیدگاه حکمای شرق، سالکی است که می‌بایست قوس سرول حلی را به قوس صعود تکرار و بازآفرینی تحلی در آیین هنر، طی نماید

د) این نوشتار، به اختصار، چهار تمدن را مورد بحث و بررسی قرار داده است از ولد برهما در میان گلرگهای لوتوس بر اساس متون «پورانها» و «مهاهارات» بحث خود را آغاز و سپس با تأملی حکمی در معیار و مفهوم یلوفر در «ایانشادها» سعی کرده حلیات این تولد شگفت را در هنر هندو بار نماید در گام دوم، این مقاله به بی‌حوی یلوفر در مشربی پرداخته که برگزیده‌اش مفتخر به هم‌داتی با یلوفر است و لقی مسجون «مانی یادما» یا «گوهری در لوتوس»^۱ دارد، مادر او با یلوفر سپید نارگرفت و خود نیز چون در ندو تولد اولین گامها را بر زمین بهاد در ریر گامهایش یلوفر رویند و همین دلیل در این مسترب، هیچ اثر هری - از استوپا گرفته تا ماندالا - را نمی‌توان یافت که به نحوی یلوفر را بار نمایاند در آیین ایرانیان ییر «یلوفر» گل سور و آب و یلوفر است که با مهر و ناهید ارتباطی ناگسستی دارد بر اساس «سدهش»، یلوفر گل ناهید است و بر اساس اسطوره‌ها، «مهر» تولدی برهماگون از آب و یلوفر دارد این گل در آیین زرتشتی حامل قطعه مقدس زرتشت و مچیان پس از او در دریاچه کیاسه است. این نوشتار، جایگاه آیینی و اسطوره‌ای یلوفر و تحلی آن در معماری، فرش - قوش هراتی - و نقوش تریبی هنر ایرانی به ویژه تحت‌حمشید را مورد بحث و بررسی قرار داده و بست تاثیر و تأثر آن با هنر هد را بر تحلیل و تشریح کرده است و چون برخی تئوریا بیانگر آمد که یلوفرهای ناژگون در ریرستوهای تحت‌حمشید، یلوفر و مشنای مصری و یین‌الهری دارند، یلوفر در آیین و معماری و هنر مصریان

یک حقیقت مکون بنابراین جهان‌بینی شرقی، جهانی سرشار از نمادها و نشانه‌هاست که هر کدام روایتگر معیاری از بطن و متن خالق و خلقت

ب) جهان‌بینی اسنان شرقی، نوعی جهان‌بینی بر اساس آیین‌گویی طبیعت است و از آن رو که اسنان در متن این جهان‌بینی، خود را در صُغ و حلق طبیعت، عامل نمی‌داند (اما موحودیت آن را ادعا دارد) ناگیر، آن را موحود و مخلوق بی‌واسطه خداوندی می‌بیند که در پس هر دره، حضور خود را صلا داده است صور مختلف طبیعت در این جهان‌بینی، چون بالاصاله و نالدات صُغ حداید، پس عامل ظهور معنای ناطی خویش و در عین حال صریحترین نشانه‌ها بر ادراک که عالم ییر هستند نگاه ساده و طبیعی اسنان به طبیعت او را نه کارکردهای شگرف آن آگاه و از همان کارکردها، انگاره‌هایی ساخت تا اساس جهان‌بینی او را شکل بخشد از دیدگاه اسنان مؤمن ندین معیار، حلق شگفت‌انگیز گلی چون یلوفر آبی از درون آنها، سسط و شکفتش با طلوع خورشید و قص و گرفش با عروب آن، صریحترین نشانه برای تصویر و تصور اصل ظهور و تحلی است سربرآوردش از آب، نماد شکفتن از آبهای آشفته آعاری (کانوس) و ریایی و نظم، بیانگر نظم و ریایی تحلی صور در عالم (کاسموس) و ییر نار و بسته شدنش با نور، نمودی از حلوه‌گری نور است از حدای آسمان که در تمامی تمدنهای نخستین حدای اول، واحد و ارلی است^۱

بنابراین در هندویرم، بودیرم، مدهب زرتشت، مدهب یین‌الهری، اسطوره و آیین مصریان و ییر اندیشه‌های هر مسمیان، حدایان خالق این عالم از دل یلوفر سربرمی‌آورد همچون «برهما»، «شیوا»، «میترا»، «مهر»، «آمون» و «مترتوم» پس یلوفر آبی در ایر مدهب، گل ظهور و تحلی و نمادی بی‌ظیر از آیین‌گویی اسرار طبیعت است در حان و ایماز اسنان ست‌گرای شرقی

ج) هنر در اندیشه شرقیان، به تحلی که نارمود معاست، تحلی، «طبیعت» است و نارمود آن «هنر» فلسفه این نارمود ییر، نارنمای از سر لهو و نفس نیست، بل نوعی نارگشت دادن صورت به اصل خویش و صور به دات خود است بنابراین کارکرد هنر،

۱ در تمامی تمدنهای، حدای اصلی خورشید و یکی از الفبا او حدای ندر است در اس مورد رجوع کند - «رساله در تاریخ ادیان»، اثر مرحا الهاده، برحمة حلال سناری

«در این اثنا یک بیلوفر از ناف نشس [ویشو] پیدا شد
که ده طرف عالم از او روشن گشت
و از آن بیلوفر برهما نه وجود آمد»
مهابهارت

ایران و هند در آئینه تاریخ

در اواسط هزاره دوم قبل از میلاد، قومی بلند قامت و سفید چهره که بعدها در تاریخ نام آریایی نه خود گرفته و ریشه «هند و اروپایی» داشتند از دامان کوهها و سلسله حمال هندوکتس سراریر گشته و شعب مختلفی را در آسیا و اروپا نه وجود آوردند گروهی از آنها به عرب هجوم برده اقلیم اروپا را تسخیر و «نا حون و رنان و آداب خود ملتها و گوناگون مانند یونانیها، لاتیها، سلتها، ژرمها و اسلاوها را نه وجود آوردند»^۱ و گروهی دیگر از ساحل رود حیحون گذشته نه دو شعبه تقسیم شدند، برخی رو نه هند^۲

^۱ تاریخ جامع ادیان، خان بی ناس، برحمه علی اصغر حکمت، ص ۱۲۲
^۲ ست همد هند است و اگر در زبان فارسی ندان هند می گویند (با آن که در اصل سند است) ندس دلیل است که حرف «سن» در سانسکرت در فارسی «ه» تلفظ می سند مانند اسوره که در زبان نهلوی اهوره خوانده می شد (با این تفاوت که در جهانسی هند ناسان، اسورهها حدانان شر و اهوره در ایران حدای حر بود) و ←

آوردند و برخی دیگر بیر نه سوی حوب عربی حیحوں سرازیر گشته و فلات ایران را مسحر خود ساختند گرچه رمان با مرور حویش، میان این دو گروه افتراقات و اختلافاتی آفرید و نه تعیر «حان ناس»، مورخ ادیان، دو کیش حداگانه هندویی و ررتشتی را پدید آورد اما «هور آثار مصدر واحد و ریشه یگانه آن هر دو مردم، در رمان و آیین و روش آنها نه حوبی نمایان و پدیدار است»^۱ در این مورد کافی است نه این آیه رینا در سرود شصتم ماندالای سوم ریگودا اشاره کنیم که «تمام پنج نژاد (همه پنج نژاد آریایی) نه میترا توسل می حوبید که در یاری [کمک] بیرومند می ناشد چون او نگاه دارنده همه حدایان است»^۲ این آیه ریگودا نه تنها نژاد ایرانی و هندی را از یک سرچشمه می داند بلکه حدایی را مورد حظاب قرار می دهد که از آن، در اوستا بیر سیار یاد شده است و ما در حای خود از آن سخن حواهمیم گفت

اشتراک در اعتقاد نه ایردانی واحد چون «آگی» و «آدر»، «ایدرا» و «ثریته»، «وای» و «وایو»، «میترا» و «میتره»، «سوریا» و «مهر»، شراب روحانی «سوما» و «هوماس» و دیگر ابعاد اسطوره‌ای و حماسی این دو تمدن چنان گسترده و روش است که در اثبات آن نه هیچ ححت و برهان و استدلالی بیار نیست این اشتراک را در ابعاد مختلف می توان نه تحلیل و تبیین نشست و روایای پنهان آن را در ستر تاریخ آشکار ساحت که البته در حای خود کاری بس عظیم و تحقیقی وسیع است لیک ما در این نوشتار تنها یک وحه از این اشتراک و تأثیر شگرف آن بر آثار هری را برای بررسی برگزیده‌ایم یعنی معا و مفهوم تحلی، سملهای نمادین آن و بیر ظهور آن در هر هر دو تمدن

:-:-

سست حق نا حلق، یا حائق نا حلق حویش، محوری‌ترین و مهمترین اصل در اصول اعتقادی هر آیین و مذهب است و نه یک عبارت جهان‌بینی هر تمدن بر اساس و

محوریت چنین اصلی شکل می گیرد نوع نگره‌ای که اسان آیینی برای تبیین رابطه حقیق نا عالم برمی‌گیرید یا متحد از متون قدسی و آسمانی اوست و یا محصول به‌پردازی دهن فعال و تحیل حلاق او در تبیین پدیده‌ها

نغزتی طریف در این دو نگره وجود دارد در نگره اول معاهیم و معانی نه صورتی حریه و روحانی توسط فرشتگان مرسل حق بر پیامبران نازل می‌شود در این سیر - برای مهمترین انرار و اسانی که نه کمک پیامبران می‌آید تا این معاهیم محرد را قابل - است سزد. استفاده از رمان تمثیل و تشبه است وجود قصص، حکایات و تشبیهات - در متون آسمانی، مهمترین دلیل صحت این ادعاست اما در نگره دوم، اسان ابتدا - به‌دهی پیرامون خود می‌نگرد و بنا نه این حکم بدیهی که او خود در صُغ آنها - حقیق - فطرتاً حضور حائق قدرتمند و عظیم در حلق عالم و تمامی موحوداتش - ححه می‌گیرد در چنین صورتی این استنتاج نه یکی از دو نتیجه ناگیر ریر - ححس یا همان پدیده‌های طبیعی چون باد و آب و آتش و دریا و درخت و کوه و - ححس و حوریتید و آسمان را خدا می‌انگارد که در دوره اول تاریخ ادیان و مدهاب در - سیری چون سیمیرم، توت‌میرم و ناتورالیسم منعکس می‌گردد، و یا در سیری تکاملی نه - سیری ترجیحی این پدیده‌ها را نه صورت ایردانی تصور می‌کند که تحت فرمان حدایی - ححس و بکنه تدبیر امر جهان مشعولند (نمونه آن در فرهنگ ایران ناستان، امشاسپندان - و سیر سیرید. دواها هستند)

حقت حیف و قابل ذکر این که اسان در نگره دوم، از روایه طبیعت (نا تمامی ابعاد - ححس و حقیق و حائق آن می‌نگرد و سعی می‌کند هر کدام از این ابعاد را تصویر و - ححس معنی و معانی و معاهیم محرد قرار دهد نه عسارت دیگر انرار او برای تبیین - ححس و رازهای آن، پدیده‌های ساده و قابل درکی است که پیرامون او - ححس برین اساس، نوعی جهان‌بینی آیینی شکل می‌گیرد که مسای آن طبیعت - ححس و حقایق طبیعی، ساده و قابل درکش) نه عنوان مثال در تلاش برای - ححس یا آفریش عالم، یکی از ساده‌ترین انرار نگرش نه نوع تولد و - ححس است یعنی در کنار هم قرار دادن حضور دو عنصر بریبه و مادینه و - ححس برقرار می‌شود این ادراک برای اسان سستی، اسراری است که بر - ححس را نا حضور حدای پدر (یا آسمان) و حدای مادر (یا زمین) و

→ نا شراب روحانی سوما که در نهلوی هوما خوانده می‌شد اصطلاح انگلیسی India بر از اندوس احد شده که نام دیگر سند بود نس عناوس هند و India هر دو مربوط نه رود سند است

۱ تاریخ جامع ادیان، حان بی ناس، ترجمه علی‌اصغر حکمت، ص ۱۳۲

۲ گزیده سرودهای ریگودا، ححقی و ترجمه دکتر محمدرضا حلالی ناسی، سیر نره، تهران، ۱۳۷۲، ص ۲۸